

## روابط عرفا با سلاطین

(بررسی و تحلیل گفتمان نامه شماره پانزده جامی به سلطان حسین بایقرا)

سوسن فتوحی تکاتپه<sup>۱</sup>اشرف شیبانی اقدم<sup>۲</sup>

## چکیده

یکی از موضوعات پژوهشی قابل توجه در متون ادبی، بررسی روابط عرفا و سلاطین و نوع گفتمان حاکم بر آن است. در این مقاله نامه شماره پانزده عبدالرحمن جامی؛ عارف و شاعر عصر تیموری خطاب به سلطان حسین بایقرا به عنوان نمونه روابط خانقاه و حکومت مورد بررسی قرار گرفته است. هدف پژوهش مشخص نمودن کارکرد و نقش نامه، گفتمان حاکم بر آن، شناسایی بیشترین کنش‌های گفتاری بکار رفته، چگونگی روابط قدرت و ایدئولوژی نویسنده نامه در ارتباط با طبقه حاکم است. نگارندگان در این پژوهش با توجه به بافت موقعیتی و با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف و به شیوه توصیفی - تحلیلی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین به بررسی سؤالات و پاسخ به آنها پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جامی در جایگاه عرفانی، با اتخاذ گفتمان عارفانه - ادیبانه و بکارگیری سبک اندرزنامه‌ای و ابزارهای مؤثر بیانی، سلطان حسین را به پرهیز از جنگ و خونریزی، مصالحه، اجرای عدالت و توسل به یاری خداوند ترغیب نموده است. جهت‌گیری ضمنی این نامه علاوه بر حفظ اقتدار نویسنده، باز تولید اندیشه ایرانشهری و ایدئولوژی خانقاهی - سیاسی فرقه نقشبندیّه است.

کلید واژه‌ها:

عرفا، سلاطین، جامی، نامه، تحلیل گفتمان انتقادی

۱ - گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر کردستان - ایران.

۲ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران. (نویسنده مسؤول)

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۷

اعلام وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۳۰

## مقدمه

در حوزه سبک‌شناسی نظم و نثر، در بازخوانی و تحلیل متون اغلب به بررسی ثبات و تطوّر صوری و ویژگی‌های روساختی آن‌ها در گذر زمان و دوره‌های تاریخی پرداخته و از کارکردهای اجتماعی متن، رابطه عناصر زبانی آن با موقعیت تاریخی و اجتماعی، بافت موقعیتی متن و گفتمان حاکم بر آن غفلت شده است. در حالی که متون فارسی از جمله نامه‌ها و منشآت به عنوان اسناد تاریخی با داشتن اطلاعات مهمی درباره پادشاهان، امراء، علما، قضات و مشاهیر و آگاهی‌هایی درباره اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روزگار خود و همچنین تعلق هر کدام به گفتمان‌های ویژه، می‌توانند به عنوان داده‌ها و زمینه‌های تحقیق و پژوهش در مطالعات سبک‌شناسی با رویکرد جدید، از جمله تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار گیرند.

تحلیل گفتمان انتقادی با توجه به مقوله ایدئولوژی و قدرت در پی آن است که کشف کند این کارکردهای اجتماعی که مختصات آن در لایه‌های زیرین گفتمان لانه گرفته‌اند، چگونه تصویرسازی یا باز نمایانده شده‌اند؟ این تحقیق با این رویکرد برآنست که ویژگی‌های سبکی نامه شماره پانزده عبد الرحمن جامی<sup>۱</sup>، عارف و شاعر برجسته عصر تیموری خطاب به سلطان حسین بایقرا را با هدف شناسایی چگونگی روابط قدرت بین عرفا و نهاد حکومت با ابزارها و مؤلفه‌های تحلیل گفتمان انتقادی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین با توجه به بافت موقعیتی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در مرحله توصیف، ابزار و مؤلفه‌های بررسی متن را در چهار وجه زبانی (واژگانی، نحوی، کاربردشناسی و بلاغی) به صورت ذیل انتخاب نمودیم:

در سطح واژگانی مؤلفه‌های تضاد و تقابل، ترادف، واژگان مربوط به نهاد حکومت و نهاد دین و عرفان و نام دهی؛ در سطح نحوی عامل‌های پیوندی، وجهیت و قطعیت، صدای نحوی؛ در سطح کاربردشناسی، شاخص‌ها، فرایندهای اسم‌سازی، کنش‌های گفتاری، بیان مستقیم و غیرمستقیم و مقوله ادب و در سطح بلاغی انسجام متن (بافت متنی) و استفاده از فنون

<sup>۱</sup> متن کامل نامه در ص ۷ مقاله ذکر شده است.

بلاغی بررسی شده است. در مرحله تفسیر، شناسایی مقام و موقعیت مخاطب، بافت بیرونی متن (زمان و مکان، ارتباط نویسنده و مخاطب) و نوع گفتمان‌های موجود را عنوان کرده‌ایم.

در مرحله تبیین به سه پرسش پاسخ داده‌ایم: ۱- کارکرد اصلی متن نامه چیست؟ ۲- چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر بوده است؟ ۳- گفتمان غالب در متن کدام است و آیا در خدمت حفظ روابط موجود قدرت بوده است یا در جهت دگرگون ساختن آن؟

سؤالات تحقیق عبارتند از: ۱- نامه شماره پانزده جامی به سلطان حسین بایقراچه کارکرد و نقشی دارد؟ ۲- گفتمان غالب در این نامه چیست؟ ۳- با توجه به تحلیل در سطح کاربرد شناسی، بیشترین کنش‌های گفتاری به کار رفته در نامه کدام است؟ ۴- روابط قدرت و ایدئولوژی نویسنده در نامه در ارتباط با طبقه حاکم چگونه بازتولید شده است؟

نگارندگان به دلایل ذیل به ارائه این پژوهش پرداخته‌اند: ۱- معرفی جامی به عنوان شخصیت برجسته اجتماعی، سیاسی، عرفانی و ادبی عصر تیموری و تنها عارفی که علاوه بر طبقات مختلف اجتماعی با بیشتر سلاطین و وزرای روزگار خود حتی سلاطین بلاد دور دست چون امپراطوری عثمانی، هند، آق قویونلو و قرا قویونلو ارتباط مستحکم داشته و دارای احترام خاص نزد آن‌ها بوده است و از این جایگاه و پایگاه اجتماعی و سیاسی خود برای ارشاد سلاطین و حل مشکلات مردم در نزد آنها استفاده نموده است. ۲- معرفی نامه‌ها به عنوان منابع مهم تاریخی و ادبی ۳- به کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای سبک شناختی مدرن در قالب‌های تحلیل گفتمان انتقادی برای شناساندن این اسناد و منابع مهم ادبی با نگاهی متفاوت.

## ۱- مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

### ۱-۱- تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup>

منظور از گفتمان همان مفهومی است که در نتیجه توجه خاص به زبان در نیمه قرن بیستم در علوم انسانی رایج گردید و نظریه پردازان آن را «زبان ورای جمله و عبارت» (فاضلی، ۱۳۸۳):

<sup>۱</sup> critical linguistics

۸۳) و « تلازم گفته با عرف و کارکردهای اجتماعی » می‌دانند (یار محمدی، ۱۳۸۳: ۹۸). کارکردهای اجتماعی بسته به بستر و بافتی که در آن صورت می‌گیرد به ویژه بسته به نوع روابط قدرتی که بین کارگزاران اجتماعی ساری و جاری است، به گونه‌های مختلف در گفتمان تصویر سازی و بازنمایی می‌شوند. در نگاه تحلیل گران گفتمان انتقادی، ادبیات به مثابه زبان و گفتمان است. مفاهیم کلیدی تحلیل گفتمان انتقادی یعنی؛ زبان، ایدئولوژی، قدرت در تحلیل متون ادبی بسیار پررنگ ظاهر شده‌اند. دیدگاه‌های انتقادی را می‌توان در حوزه‌های متنوعی همچون کاربردشناسی زبان، تحلیل روایت و داستان در ادبیات، تحلیل مکالمه، سبک شناسی و تحلیل رسانه‌ها از قبیل روزنامه‌ها، نامه‌ها و... به کار برد. (رک: آقاگل زاده، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۰)

#### ۱-۲- نامه

نامه یک رسانه است و در تعریف رسانه می‌توان گفت، موجود زنده‌ای است که پیامی را از یک پیام ساز به یک پیام‌گیر (مخاطب) منتقل می‌کند و یا رسانه موجود زنده‌ای است که سبب برقراری ارتباطات می‌گردد. (رک: نقیب زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۳۳) این ارتباط و انتقال پیام در نامه برای مقاصد مختلفی چون سفارش کردن، اندرز دادن، دستور دادن، درخواست کردن و ... انجام می‌گیرد. نامه‌ها علاوه بر انتقال پیام، کنش و عملی نیز انجام می‌دهند. این انتقال پیام و انجام عمل در بافت موقعیتی به وقوع می‌پیوندد. بافت موقعیتی متن شامل نویسنده، مخاطب، موقعیت اجتماعی، سیاسی، علمی و... آن‌ها و نوع روابط و تعاملاتشان است. (رک: درپر، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۸)

#### ۲- تحلیل نامه در سطح توصیف

۱-۲- موضوع نامه: اظهار رضایت و خوشحالی از مصالحه سلطان و توصیه و ترغیب او به اجرای عدالت.

۲-۲- مخاطب، سلطان حسین بایقرا: سلطان حسین بایقرا در سال ۸۴۲ ه.ق در شهر هرات به دنیا آمد و در سال ۹۱۱ ه.ق وفات یافت. مدت سلطنت او ۳۸ سال بود. سلطان حسین حامی جدی علم و ادب و هنر بود. چنانکه دوران سلطنت او را می‌توان از نظر مرکزیت علمی و ادبی و هنری شهر هرات یکی از ادوار بسیار مهم شمرد. ملائمت طبع، حسن شفقت و عطوفت

سلطان او را مافوق معاصرانش قرار داده بود. در دربار سلطان حسین بایقرا علاوه بر وجود وزیر دانشمندی چون امیر علیشیر نوایی شاعر و مولانا عبدالرحمن جامی و دو مورخ نامی، میرخواند و نوّه او خواندمیر و صورتگر و نقاش بزرگ ایرانی بهزاد و خوشنویس شهیر سلطان علی مشهدی نیز به سر می‌بردند. دولت‌شاه سمرقندی درباره او می‌گوید: «فقرا و رعایای خراسان در کنف رعایت آن حضرت مرفه الحال و آسوده‌اند.» (میرجعفری، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۲) چ

### ۲-۳-۳- وجه واژگانی متن نامه:

۲-۳-۱- **تقابل و تضاد:** جامی در انتخاب‌های واژگانی خود، از راهبرد تقابل برای تأثیرگذاری و روشنگری بیشتر کلام استفاده بسیار و قابل توجهی نموده است. بیان واژگان و مفاهیم متضاد در متن نیز یکی از ویژگی‌های سبک عارفانه و ادیبانه جهت ایجاد تناسب و توازن و روشنگری در سخن است. برای اینکه همراه هر معنا ضد آن هم در ذهن تداعی می‌شود و کاربرد معانی مقابل هم، تمام جوانب مطلب را آشکار می‌سازد. (رک: فرقانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۸۳) این واژگان عبارتند از: دشمنان و دوست / خواص و عوام / لیل و نهار / شیرو زبون بودن / موافقان و مخالفان / روی و خوی / خدا و خلق. **مثال:** چنین که یار مرا روی خوب و خوی نکوست / عجب مدار که گردند دشمنان همه دوست.

۲-۳-۲- **ترادف:** بسامد بالای (پانزده مورد) مترادفات در مقابل واژگان متضاد (۷ مورد) در این نامه مفهوم همراهی و موافقت طبقه عرفا و علما را با نهاد حکومت در امر صلح و آرامش و دوری از جنگ و خونریزی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. این واژگان عبارتند از: کشور و اقلیم / دل و جان / خوب و نکو / نامه و صحیفه / مصالحه و موافقت / جمهور و کافه / جاه و جلال / دولت و اقبال / نیاز و افتقار / آناء و اطراف / قدر و منزلت / عزت و کرامت / شکرگزاری و سپاس داری / فتح و نصرت / یار و دوست. **مثال:** فتح و نصرت ز خدا خواه که بی منت خلق / مدعی گر همه شیر است، زبون خواهد شد.

۲-۳-۳- **توصیف و نام دهی (دسته بندی):** نویسنده در این نامه برای نشان دادن دیدگاه خاص خود از جمله هویت بخشی به طبقه عرفا و علمای دین و دسته‌بندی آن‌ها در مقابل

مخالفتان حکومت و اجرای عدالت به توصیف و نام دهی پرداخته است. از جمله: خاک نشینان آستان نیاز و افتقار برای هویت بخشی به خود و طبقه عالمان دین و عارفان، موافقان برای دسته‌بندی علمای دین و عرفا در دسته موافقان در مقابل مخالفتان نهاد حکومت، خسرو برای نام دهی به سلطان برای بیان اندیشه حکومت ایرانشهری با هدف اجرای عدالت. مثال: لایزال دولت موافقان در معرض ازدیاد باد و گردن مخالفتان در ربنه انقیاد، و السلام و الاکرام.

۲-۳-۴- واژگان و تعابیر مربوط به نهاد دین و عرفان: یار/کشور دل/اقلیم جان / غمزه /خلافت پناهی/سلیمان / خاک نشینان/ آستان نیاز و افتقار/ آناء اللیل / اطراف النهار / دعا گویی / دوام/ عزت / کرامت / شکر گزاری / عدل / خدا / خوی نکو / دوست / خلق.

۲-۳-۵- واژگان و تعابیر مربوط به نهاد حکومت: کشور/ اقلیم / مصالحه / مصالح جمهور انام / ساحت مخیم جاه و جلال / معسگر دولت و اقبال / حضرت / دستگاه / اقتدار / دولت / ارکان ملک و ملت / خسرو / عرصه ملک / فتح و نصرت / مدعی / گردن مخالفتان / دولت موافقان. بسامد واژگان مربوط به نهاد دین و عرفان با ۲۰ مورد در مقابل واژگان مربوط به نهاد حکومت با ۱۷ مورد نشانگر اقتدار نویسنده و پیوند و همسویی هر دو نهاد می باشد، به ویژه اینکه نویسنده از عملکرد حکومت در انجام صلح اعلام رضایت می کند.

۲-۴- وجه نحوی متن نامه: ۲-۴-۱- صدای نحوی: این نامه همانند همه نامه‌های جامی در بافت سیاسی - نامه به سلاطین - از صدای فعال برخوردار است. برای اینکه نویسنده به دلیل برخوردار بودن از جایگاه برتر عرفانی و ارشادی و محبوبیت در نظر سلاطین و مردم جامعه خود، بدون پوشیدگی و پنهان کاری، با صراحت و قاطعیت، البته با رعایت کامل ادب به بیان مطالب اندرزی می پردازد. به همین دلیل استفاده چندانی از جملات مجهول ننموده است؛ بنابراین متن صدای فعال دارد.

۲-۴-۲- وجهیت و قطعیت: در مبحث وجهیت یکی از پرسش‌هایی که فرکلاف<sup>۱</sup> مطرح می‌کند این است که در عبارت از کدام وجه استفاده شده است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۱) وجهیت

<sup>۱</sup> . Fair clough

عموماً به تلقی گوینده از چیزی یا عقیده وی در باره میزان درستی مفهوم یک جمله اشاره دارد و عبارت است از میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به طور ضمنی به وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان کننده منظور یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پایبندی او به واقعیت یک گزاره است. وجه کلام در یک گفتگو یا گفتمان نوع روابط میان افراد و مناسبات اجتماعی را مشخص می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۵)

متن کامل نامه با ذکر وجه افعال به شرح ذیل است:

«الفقییر عبدالرحمان جامی

چنین که یار مرا روی خوب و خوی نکوست / عجب مدار(امری) که گردند دشمنان همه دوست (التزامی) ز چشم و غمزه و ابرو چه حاجتش به سپاه / چو کشور دل و اقلیم جان مسلم اوست (التزامی) نامه مخبر از مصالحه‌ای متضمن مصالح جمهور انام و صحیفه مشعر به موافقتی موافق مرافق کافه خواص و عوام از ساحت مخیم جاه و جلال و معسکر دولت و اقبال حضرت خلافت پناهی، سلیمان دستگاهی - اعز الله تعالی انصاره و ضاعف ملکه و اقتداره - به خاک نشینان آستان نیاز که آناء اللیل و اطراف النهار به دعاگویی دوام دولت و خیر خواهی ارکان ملک و ملت می‌گذرانند، رسید (اخباری) و کلاه گوشه قدر و منزلت‌شان به اوج عزت و کرامت رسانید، (اخباری) همه یکدل و یک زبان به وظایف شکرگزاری قیام نموده (اخباری) و قواعد منت سپاس داری کار فرموده (اخباری) می‌گوید (اخباری): خسروا قاعده عدل فزون کن (امری) که ز عدل / عرصه ملک تو هر روز فزون خواهد شد (اخباری) فتح و نصرت ز خدا خواه (امری) که بی منت خلق / مدعی گر همه شیر است زبون خواهد شد (التزامی) لایزال دولت موافقان در معرض ازدیاد باد (التزامی) و گردن مخالفان در ربه انقیاد (التزامی)، والسلام و الاکرام.»

با توجه به بسامد مساوی وجه اخباری و التزامی (هرکدام ۶ مورد) می‌توان گفت نویسنده ضمن حفظ اقتدار خود با استفاده از جملات اخباری و امری که قطعیت بیشتری دارند، سعی نموده است تقارن و توازن قدرت بین نهاد دین و عرفان و نهاد حکومت را با استفاده از جملات التزامی که قطعیت کمتری دارند، برقرار نماید.

۲-۴-۳- چگونگی استفاده از حروف ربط (ارزش های پیوندی): نویسنده برای بیان و انتقال مفاهیم (صلح و عدل) از حروف ربط وابستگی پنج بار «که»، یک بار «چو» و یک بار «گر» که معمولاً بار معنایی ایدئولوژیکی دارند، استفاده کرده و به توضیح مبانی فکری و دیدگاه‌های خود پرداخته است. همچنین به وسیله حروف ربط وابستگی منظور اصلی خود را در جملات پایه بیان نموده است: ۱- تعجب نکردن از تبدیل شدن دشمنان او به دوستان ۲- فزون کردن قاعده عدل ۳- فتح و نصرت از خدا خواستن ۴- نیاز به سپاه نداشتن با وجود اخلاق خوب

۲-۴-۴- وجه کاربردی (کاربردشناسی) متن نامه: کاربردشناسی بررسی منظور گوینده است. این گونه بررسی ناگزیر تفسیر منظور را در یک بافت خاص و همچنین چگونگی تأثیر آن بافت و پاره گفت را نیز دربر می‌گیرد و مستلزم توجه به این نکته است که چگونه سخنگویان کلام خود را با در نظر گرفتن مخاطب، مکان، زمان و شرایط حاکم سازماندهی می‌کنند؛ بنابراین کاربردشناسی بررسی معنی بافتی است. آنچه در کاربردشناسی برای تحلیل متون به کار می‌رود، بررسی کنش‌های گفتاری متن و مقوله ادب است. (بول، ۱۳۹۱: ۱۱) کنش گفتاری یکی از مباحث نظام گسترده سبک شناسی کاربردی است که تکیه بر شرح و توصیف زبان مورد استفاده دارد. گرایش اساسی تئوری کنش گفتاری که از اوستین<sup>۱</sup>، به یادگار مانده، تشخیص آن است که وقتی بشر زبان را به کار می‌برد، در حقیقت چیزی بیشتر از آن انجام می‌دهد که کلمه‌ها به طور ساده بیان می‌کند. مطابق با نظر اوستین در زبان چیزی بیشتر از معنی منحصر به فرد کلمات و عبارات وجود دارد. نظریه کنش گفتاری را بعدها جان سرل<sup>۲</sup> شاگرد اوستین گسترش داد. او کارگفت‌ها و کنش‌های گفتاری را به پنج دسته تقسیم می‌کند: ۱- اظهارهای<sup>۳</sup> که برای شرح دنیا یعنی بیان کردن، اظهار کردن، ادعا کردن، گفتن، شرح دادن و... به کار می‌رود. ۲- امری‌ها<sup>۴</sup> که انجام کاری را در نظر دارد، مثل دادن دستوری، خواستن چیزی یا تقاضای کاری که بیان آنها منجر به تغییر اوضاع دنیای خارج می‌شود. مثل زمانی که داور مسابقه اعلام کند: شما اخراجید. گاه وجه امری

<sup>1</sup> . Speech Act Theory

<sup>2</sup> . Austin (۱۹۶۲)

<sup>3</sup> . John R.Searle (۱۹۳۲)

<sup>4</sup> . Assertives

<sup>5</sup> . Directives

از طرف گوینده به صراحت بیان نمی‌شود اما خود از لحن و بافت بیان، استنباط می‌شود. ۳- تعهدی‌ها<sup>۱</sup> که گوینده برای متعهد کردن خود به انجام عمل احتمالی آتی به کار می‌برد به شکلی که دنیایی را تغییر دهد البته اینجا اغلب با فایده یا بی‌فایده بودن برای شنونده منظور است. مثل؛ قول دادن، تهدید کردن یا تعهد کردن چیزی. ۴- بیانگرها<sup>۲</sup> که برای بیان احساسات و نظرات گوینده به کار می‌رود، مثل: تشکر کردن، تبریک گفتن، درود گفتن، عذر خواستن و شکایت کردن. ۵- اخباری‌ها<sup>۳</sup> که با تغییر دادن موقعیت خارجی عمل می‌کند؛ وقتی کنش‌های گفتاری، دنیایی را که از طریق زبان می‌تواند تغییر یابد بیان کند؛ مثل هنگامی که عاقد اعلام ازدواج یا اعلام طلاق می‌کند. (شیبانی اقدام، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۶۰) از امری‌ها با عنوان ترغیبی‌ها و از بیانگرها با عنوان عاطفی‌ها و از اخباری‌ها با عنوان اعلامی‌ها نیز یاد شده است.

۲-۴-۱- کنش‌های گفتاری پنج‌گانه: در این نامه بسامد بالای کنش‌های اظهاری در کنار سه کنش ترغیبی و دو کنش اعلامی نشانه اقتدار نویسنده در مقابل مخاطب است: چنین که یار مرا روی خوب و خوی نکوست (اظهاری) عجب مدار که گردند دشمنان همه دوست (ترغیبی) ز چشم غمزه و ابرو چه حاجتش به سپاه {است} (اظهاری) چو کشور دل و اقلیم جان مسلم اوست (اظهاری) نامه مخبر به ... می‌گذرانند (اظهاری) ... رسانید (اظهاری) ... قیام نموده (اظهاری) ... کار فرموده (اظهاری) ... می‌گوید (اظهاری) خسروا قاعده عدل فزون کن (ترغیبی) که ز عدل / عرصه ملک تو هر روز فزون خواهد شد (اعلامی) فتح و نصرت ز خدا خواه (ترغیبی) که بی‌منت خلق / مدعی گر هم شیر است (اظهاری) زبون خواهد شد (اعلامی) لایزال دولت موافقان ... از دیاد باد (عاطفی) گردن مخالفان در ربه انقیاد (عاطفی).

۲-۴-۲- کنش‌های گفتاری مستقیم: نویسنده در ابیات پایانی برای تأکید بر امر عدالت از کنش گفتاری مستقیم استفاده کرده است. او در این ابیات به اندرز و ارشاد شاه برای توجه و اهمیّت بیشتر او به اجرای قوانین عدل می‌پردازد به همین دلیل از ضمیر تو، منادا (خسروا) و فعل‌های امر (فزون کن) و (فتح و نصرت ز خدا خواه) استفاده کرده است. این صورت خطاب

<sup>۱</sup>. Commissives  
<sup>۲</sup>. Expressives  
<sup>۳</sup>. Declaratives

به بیان مستقیم صریح معروف است که در آن چیزی از دیگری به صورت مستقیم درخواست می‌شود. عبارت مستقیم صریح با دسته‌ای از رخداد‌های گفتاری پیوند دارد که در آنها فرض گوینده بر این است که بر (دیگری) سلطه دارد (مانند بافت نظامی) و او می‌تواند از طریق کلمات و رفتار وی را هدایت کند اما در تعامل روزمره میان همترازهای اجتماعی چنین رفتار مستقیم صریحی بالقوه نشان دهنده این نکته است که وجهه دیگری در معرض تهدید است به همین دلیل عموماً از آن احتراز می‌شود. (یول، همان: ۸۷-۸۶) جامی در چنین نامه‌هایی که عملکرد سلطان را کنترل می‌نماید و در موقعیت عارف و عالم دین به نصیحت و اندرز او می‌پردازد، از راهبرد جملات دعایی و شواهد شعری که دارای بار عاطفی هستند، بهره می‌برد تا از تلخی و گزندگی نصیحت و احتمال تهدید وجهه سلطان بکاهد.

۲-۴-۳- کنش‌های گفتاری غیرمستقیم: نویسنده برای رعایت ادب و موقعیت اجتماعی و سیاسی مخاطب از مؤلفه‌های زیر استفاده نموده است: کاربرد «یارمن» برای مخاطب در مصراع اول بیت اول: «چنین که یار مرا روی خوب و خوی نکوست». کاربرد ضمیر متصل «ش» سوم شخص در مصراع اول بیت دوم و «او» ضمیر سوم شخص در مصراع اول برای مخاطب و کاربرد شاخص که در این نامه سه نوع شاخص کاربرد دارد: شاخص‌های اجتماعی؛ الفقی‌در ابتدای نامه برای خود، حضرت خلافت پناهی، سلیمان دستگاهی و خسرو برای سلطان، شاخص‌های زمانی؛ آناء اللیل و اطراف النهار، شاخص‌های مکانی؛ کشور دل، اقلیم جان، عرصه ملک

در شاخص‌های اجتماعی هدف نویسنده ستایشگری و مداحی و چاپلوسی نیست بلکه بیانگر ایدئولوژی او (نظریه سیاسی - خانقاهی نقشبندیّه) است. در شاخص‌های مکانی نیز مکان خاص مد نظر نیست بلکه از طریق تشبیه، قدرت مادی و معنوی مخاطب را برجسته کرده است و با استفاده از شاخص زمانی آناء اللیل و اطراف النهار دعاگویی و حمایت خود را به صورت همیشگی مورد تأکید قرار داده است و از عناصر شدت بخش در متن محسوب می‌شود.

فرآیند اسم سازی نیز یکی از شیوه‌های کنش گفتاری غیرمستقیم در این نامه محسوب می‌شود به این ترتیب که از مصادر مصالحه و موافقت استفاده کرده است تا اولاً توجه از عامل و مشارکین عمل به خود عمل معطوف شود، ثانیاً به این وسیله به برجسته‌سازی عمل صلح پرداخته باشد و

رفته رفته این مسئله در ذهن مخاطب و ملازمان او هویتی ثابت پیدا کند و در نتیجه ذخیره شناختی و ادراکی زبان را در ذهن او تحت تأثیر قرار دهد و این خود رفتارش را در نهایت تغییر دهد. (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۴۰-۳۹) از آنجا که گورکانیان نیز چون اجداد خود به دنبال کشورگشایی و فتوحات و افزودن بر قلمرو حکومتی خود بودند، جامی با این رفتار زبانی قصد تغییر تدریجی رفتار حکومتی را از جنگ به صلح در مخاطب (سلطان حسین) دارد.

#### ۲-۴-۵-۶- وجه بلاغی متن نامه

۲-۴-۴-۶-۱- بافت متنی: معمولاً در متن دو گروه از ویژگی‌ها شامل ویژگی‌های ساختاری و انسجام متن در ترکیب با هم بافت متن را تشکیل می‌دهند. در این نامه‌ها عامل ساختار موضوعی - آغاز و پایانه - به عنوان یکی از ویژگی‌های ساختاری و عوامل تکرار و ایجاد به عنوان ویژگی‌های انسجام متن در بافت متنی نامه‌ها تأثیر دارند. در ویژگی‌های ساختاری نویسنده همانند نامه‌های دیگر به سلطان ابتدا یک دو بیتی سروده و سپس وارد متن اصلی و در پایان نیز به دعا پرداخته است. دوبیتی آغاز نامه براءت استهلال یا آغازهای برای متن اصلی است؛ بقیه متن نامه (متن اصلی و دعای پایانی) پایانه متن محسوب می‌شود. در واقع ساختار نامه از آغاز + پایانه تشکیل شده است. انسجام متن: عاملی که در این نامه انسجام متن را شکل داده است، تکرار است. تکرار واژگان زیر در این نامه، علاوه بر تأثیر در انسجام متن از عناصر شدت بخش و تأکیدی محسوب می‌شود: ملک سه بار، عدل دو بار، فزون دو بار و دولت سه بار تکرار شده است. همچنین مانند نامه شماره نه (تکرار حاسدان و حساد در آغاز و پایان نامه)، واژگان تقابلی دشمنان و دوست در ابتدا و موافقان و مخالفان در پایان نامه در انسجام متن و تأکید بر انقیاد مخالفان از راه مسالمت‌آمیز قابل تأمل است.

#### ۲-۴-۴-۶-۲- فنون و ابزار های بلاغی

استعاره، تشبیه و کنایه: نویسنده در این نامه از استعاره هستی شناختی «ارکان ملک و ملت» (استعاره مکنیه)، «خاک نشینان آستان نیاز» کنایه از درویشان متواضع و تشبیه مانند؛ «کلاه گوشه قدر و منزلت»، «مدعی گر همه شیر است»، «کشور دل»، «اقلیم جان» با رویکرد ارتباطی - تأثیری بهره برده است.

مجاز: لیکاف<sup>۱</sup> و جانسون<sup>۲</sup> معتقدند برخی جایگزینی‌های مجازی ممکن است با معطوف کردن توجه به برخی جنبه‌های بخصوص یک موضوع و به حاشیه راندن جنبه‌های دیگر، بر افکار، نگرش‌ها و اعمال ما تأثیر بگذارند؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «نیما می‌خوانیم» فقط خود اثر ادبی را در ذهن نداریم بلکه به اثر از طریق هاله‌ای از روابط که پیرامون شاعر را گرفته است، فکر می‌کنیم، یعنی؛ به روش‌های او، نقش او در تاریخ ادبیات، برداشت‌های او. آنان معتقدند که مجاز نسبت به استعاره وضوح بیشتری دارد و بسیار طبیعی‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا معمولاً با تداعی مستقیم سرو کار دارد. (Lakoff & Johnson, 1980:39)

نویسنده در این نامه از یک نوع مجاز (جزئیّت و کلیّت) در دو موضع استفاده کرده است:  
 ۱- خواصّ و عوامّ: به علاقه جزئیّت و کلیّت؛ یعنی همه مردم؛ جامی از این طریق خواسته است توجه سلطان را در انجام مصالحه نه فقط به مصلحت شخص سلطان و حکومت و ارکان حکومتی او بلکه به نفع همه طبقات مردم معطوف نماید. ۲- اناء اللیل و اطراف النهار: به علاقه جزئیّت و کلیّت؛ یعنی همه لحظات عمر با هدف معطوف نمودن ذهن مخاطب به ارادت بیش از حدّ جامی و اطرافیانش به سلطان و مبالغه در دعاگویی و دائم‌الذکر بودن و همچنین متمایل نمودن مخاطب به آیات قرآن با توجه به اینکه این عبارت، عبارتی از آیات قرآن کریم است.

### ۳- تحلیل نامه در سطح تفسیر

#### ۳-۱- بافت موقعیت:

۳-۱-۱- شرایط اجتماعی و فرهنگی (نفوذ جامی در دربار تیموری و رابطه او با سلطان حسین): با قدرت یافتن سلطان حسین، رابطه جامی با نوایی ندیم او بسیار استوار شده بود. در سال ۸۷۷ هـ.ق که جامی نیت کرد تا به حجاز رود و حجّ گزارد، علیشیر نوایی را عهده‌دار امور مهمّات خود در هرات ساخت؛ چون نیت جامی مبتنی بر زیارت کعبه آشکار شد، عدّه زیادی از عوامّ و خواصّ هرات نزد او آمدند و گفتند: «هر روز به واسطه التفات شما بسی مهمّات درویشان

<sup>۱</sup> Lakoff

<sup>۲</sup> Gohnson

ساخته و پرداخته می شود و هر مهمی که به یمن همت شما بر در خانه سلاطین کفایت می شود، با یک حج برابر است.» نکته مذکور حاکی از آن است که جامی در سالهای ۸۷۷-۸۷۰ هجری در مرکز معنوی و دیوانی قرار داشته و همچنان که به زندگی خانقاهی و ارشاد مریدان می پرداخته، هم بر دولت مردان دربار تیموری نفوذ و سلطه یافته بود و هم معضلات و مشکلات عامه مردم بر اثر توصیه های او به درباریان حل و فصل می شده است. میزان توجه دربار تیموری به جامی - در این برهه از زندگی او - از آنجا روشن می شود که چون جامی اسباب سفر به حجاز را فراهم کرد، سلطان مقرر داشت تا وی از پرداخت هرگونه مالیات معاف گردد و وسایل سفر او فراهم شود و نامه دیوانی به مراکز قدرت در جهان اسلام ارسال شود تا از او و همراهانش به درستی استقبال گردد (باخرزی، ۱۳۷۱: ۱۶-۴).

از مضمون این نامه و سایر نامه ها به سلاطین، تقریب بالای جامی به دربار سلطان حسین اینگونه معلوم می شود که اولاً علاوه بر مردم عامی، اغلب وزراء، امرا و رجال او را شفیع و وسیله انجام حوائج خود قرار می دادند و ثانیاً نامه هایی که به سلطان حسین نگاشته شده، پاسخ نامه هایی است که سلطان به خدمت مولانا معروض داشته است و از مفاد آن مراتب عزت و احترامی که شاه نسبت به خدمت مولانا رعایت می کرده، کاملاً مشهود است. مثلاً هر وقت سلطان تصمیم به جنگ می گرفت یا بشارت صلحی داشت از هر جا که حضور داشت فوراً قاصدی به هرات می فرستاد و نامه ای توسط وی به مولانا تقدیم می داشته و این نشانه ای از روابط معنوی مابین آن پادشاه و آن استاد است (حکمت، ۱۳۲۰: ۲۶-۲۵).

۲-۳- **گفتمان های موجود در متن نامه:** با توجه به بافت موقعیتی نامه و ارتباط نویسنده به عنوان فردی در جایگاه عرفانی و دینی با سلاطین زمان خود، گفتمان متکی بر قدرت (گفتمان حکومت) و گفتمان عارفانه، گفتمان هایی هستند که فضای حاکم بر متن نامه ها را سازماندهی می کنند.

#### ۴- تحلیل نامه در سطح تبیین

۴-۱- **گفتمان غالب:** گفتمان غالب و مسلط در متن نامه ها، با توجه به تلاش نویسنده برای حفظ جایگاه عرفانی خود و نظارت تعاملی بر عملکرد حکومت، در راستای نظریه سیاسی - خانقاهی نقشبندیه، گفتمان عارفانه - ادیبانه است. این گفتمان با راهبرد ابزارهای

مختلف که در سطح تفسیر گفته شد، سعی دارد ضمن مستحکم نمودن جایگاه علمای دین و عرفا، سلاطین را با دیدگاه‌های خود همسو نموده و نیز حکومت آنها را مشروع جلوه دهد. نویسندگان با استفاده از فرصت تقرّب به سلاطین و بالعکس (توجه سلاطین تیموری و سایر سلاطین عصر به عرفا، علما و مشایخ)، همچنین باز تولید گفتمان عارفانه با دعوت شاهان به رعایت شرع و احکام دینی و مهار نمودن خوی غارتگری و چپاولگرانه آنان در حفظ سلطنت تلاش نموده است. در حقیقت با حمایت از سلطنت خواسته است نظم اجتماعی، صلح و آرامش را در ساختارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایجاد نماید و موفق نیز گردیده است. از دلایل این موفقیت می‌توان به طرف مشورت قرار گرفتن در امور مهمی چون جنگ و صلح (نامه شماره ۱ و ۱۵) و حتی جانشینی در رسیدگی به اوضاع پایتخت از طرف سلطان حسین اشاره کرد؛ به طوری که سلطان حسین در نامه‌ای به او می‌نویسد: «...بعده معروض رای مشکل گشای آنکه بنابر وفور رفاهیت حال مسلمانان و دفع منع مخالفان در نواحی بلخ توقف نموده... ملتمس چنان است که همت عالی نهمت مصروف داشته، پیوسته به فاتحه فایحه مدد فرمایند و در مهمات شهر و بلوکات طریقه التفات سلوک داشته به مکاتبات علیّه مفتخر سازند و...» (جامی، ۱۳۷۸: ۲۹۶)

۴-۲- کارکرد نامه: جامی سلطان را به پرهیز از جنگ و خونریزی، اجرای عدالت و توسل و اتکا به یاری خداوند ترغیب نموده است.

## نتیجه گیری

نویسنده در این نامه برای بیان دیدگاه‌های خود به اتخاذ گفتمان عارفانه- ادیبانه که گفتمان غالب در نامه‌هایش در بافت سیاسی است، روی آورده است. نقش و کارکرد نامه این است که نویسنده با اتخاذ سبک عارفانه- ادیبانه و بکارگیری زبان اندرزی و ابزارهای مؤثر بیانی قصد داشته است، سلطان رابه پرهیز از جنگ و خونریزی، مصالحه، اجرای عدالت و توسل و اتکا به خداوند ترغیب نماید. مؤلفه‌های مورد بررسی در این نامه که تأیید کننده و دال بر اتخاذ سبک اندرزی، اقناعی و گفتمان عارفانه- ادیبانه او دارد به شرح ذیل است:

جامی در این نامه از راهبرد تقابل و مترادف برای تأثیرگذاری و روشننگری بیشتر کلام استفاده قابل توجهی نموده است؛ این تأثیر گذاری و روشننگری به عنوان یکی از ویژگی‌های سبک عارفانه در ساماندهی گفتمان عارفانه نقش داشته است. نویسنده از مؤلفه توصیف و نام دهی (دسته بندی) از جمله «خاک نشینان نیاز و افتقار» و «موافقان» برای هویت بخشی به خود و طبقه‌عالمان دین و عارفان و «خسرو» برای هویت بخشی به سلطان و برای بیان اندیشه ایرانشهری و عدالت بهره برده است. در این نامه بسامد واژگان مربوط به نهاد دین و عرفان نسبت به نهاد حکومت بیشتر است و این هم نشانگر اقتدار نویسنده در مقابل حکومت و هم نشانگر همراهی و همسویی با اوست؛ به ویژه اینکه از عملکرد حکومت در انجام صلح اعلام رضایت می کند. همچنین کاربرد این مؤلفه نیز در شکل دهی گفتمان عارفانه در متن مؤثر بوده است.

در سطح کاربردشناسی بالاترین بسامد کنش گفتاری را کنش اظهاری دارد که به همراه سه کنش ترغیبی (ارشادی) و دو کنش اعلامی نشانه‌موضع اقتدار نویسنده در مقابل مخاطب است. نویسنده از هر دو کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم برای بیان منظور خود استفاده کرده است. در بیان غیرمستقیم، کاربرد تعبیر «یار من»، ضمیر متصل «ش» و ضمیر سوم شخص «او» برای مخاطب درآغاز متن، کاربرد شاخص حضرت خلافت پناهی، سلیمان دستگاهی برای مخاطب جهت بیان غیرمستقیم نظریه سیاسی- خانقاهی نقشبندیّه و فرایند اسم سازی (کاربرد مصادر مصالحه و موافقت) برای برجسته سازی عمل صلح و تغییر تدریجی رفتار حکومت از جنگ به صلح.

نویسنده در ابیات پایانی برای تأکید بر امر عدالت به کنش گفتاری مستقیم روی آورده است. به همین دلیل فعل امر «فزون کن» و «فتح و نصرت ز خدا خواه» را به کار می‌گیرد و از این طریق به اندرز و نصیحت او می‌پردازد. آواز راهبرد جملات دعایی و شواهد شعری که دارای بار عاطفی هستند برای بیان نکات اندرزی خود بهره می‌برد تا از تلخی و گزندگی نصیحت و احتمال تهدید و جهة سلطان بکاهد. در سطح بلاغی با بررسی بافت متنی مشخص گردید که متن نامه به این دلایل از انسجام متن برخوردار است: دوبیتی آغاز نامه براعت استهلال یا آغازه ای بر متن اصلی است؛ بقیه متن پایانه متن محسوب می‌گردد. در واقع ساختار متن از آغازه + پایانه تشکیل شده است. تکرار واژه های ملک، عدل، فزون و دولت علاوه بر تأثیر در انسجام متن از عناصر شدت بخش محسوب می‌شود و کاربرد عناصر تأکیدی در متن در تقویت گفتمان عارفانه مؤثر واقع شده است.

به طور کلی بررسی و تحلیل این نامه نشان می‌دهد که جامی به عنوان یکی از مشایخ فرقه نقشبندیّه ضمن اینکه در صدد حفظ موضع اقتدار خود و طبقه عرفا در مقابل نهاد حکومت می‌باشد، با توجه به ایدئولوژی خانقاهی - سیاسی نقشبندیّه و اندیشه ایرانشهری حکومت، سعی در مشروعیت بخشی به سلطنت و متقابلاً همسومودن سلطان با خانقاه دارد.

## فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۶)، *تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات*، ادب پژوهی، شماره یک، ص ۱۷-۱۸.
- ۲- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_ و غیاثیان، مریم السّادات، (۱۳۸۶)، *رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی*، فصلنامه زبان و زبان شناسی، شماره ۵، ص ۳۹.
- ۳- باخرزی، عبدالواسع، (۱۳۷۱)، *مقامات جامی*، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران.
- ۴- جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۷۳)، *سلسله الذهب*، به کوشش محمد روشن، تهران.
- ۵- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۷۸)، *نامه‌ها و منشآت جامی*، به تصحیح عصام الدین ارون بایف؛ اسرار رحمانف، چ اول، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
- ۶- حکمت، علی اصغر، (۱۳۲۰)، *جامی*، تهران، حق تکثیر بانک ملی ایران.
- ۷- درپر، مریم، (۱۳۹۳)، *سبک شناسی لایه‌ای، توصیف و تبیین بافتمند سبک نامه شماره یک غزالی در دو لایه واژگان و بلاغت*، مجله ادب پژوهی، شماره ۲۷، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- ۸- شبیانی اقدم، اشرف، (۱۳۹۳)، *کلید واژه‌های سبک شناسی؛ شرح اصطلاحات فنی و معرفی پیشروان سبک شناسی مدرن*، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۹- فاضلی، محمد، (۱۳۸۳)، *گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ش ۱۴، ص ۸۱-۱۰۶.
- ۱۰- فتوحی، محمود، (۱۳۹۱)، *سبک شناسی (نظریه، رویکرد و روش‌ها)*، تهران، انتشارات سخن.
- ۱۱- فرقانی، حسن، (۱۳۸۷)، *تضاد و تقابل‌های هنری در قرآن کریم*، مجله الهیات و حقوق، ش ۱۰، ص ۸۳-۱۰۰.
- ۱۲- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۳- میرجعفری، حسین، (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، تهران، انتشارات سمت.

۱۴- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.

۱۵- یارمحمدی، لطف‌الله، (۱۳۸۵)، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران، انتشارات هرمس.

۱۶- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران، انتشارات هرمس.

۱۷- یول، جرج، (۱۳۹۱)، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، چ اول، تهران، انتشارات سمت.

18- George & Mark Johnson (1980), *metaphors we live by* Chicago, Lakoff university of Chicago press

Archive of SID